

The Economic System of Khoy Bazaar and Guilds During the Safavid Era

1. *Reza. Topchian*
2. *Mahboub. Mahdavian**
3. *Hassan. Mohammadi*

1. PhD student, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran
2. Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran
3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Email: dr.m.mahdavian@gmail.com | Received: 19.12.2022 | Acceptance: 18.02.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2980-9770
<http://journalspsich.com>
Vol. 2, No 4, Pp: 547-570
Winter 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Topchian, R., Mahdavian, M., & Mohammadi, H.. (2023). The Economic System of Khoy Bazaar and Guilds During the Safavid Era, *spsich*, 2(4): 547-570.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

Understanding the economic system of a society is among the most critical issues that can be studied to advance the goals of future generations. Thus, examining its influential layers is of great importance. The term "guilds" during the Safavid period specifically referred to merchants and artisans who operated within associations and organizations. Economic prosperity in the Safavid era led to the flourishing of these organizations to such an extent that they possessed internal official positions such as Kadkhoda (headman), Ostad (master), Shagerd (apprentice), and Pado (assistant), as well as external roles such as Kalantar (supervisor), Naqib (inspector), Mohtasib (market supervisor), and Darugha (chief of police). These structures ultimately contributed to the economic prosperity of the society at that time. This article aims to investigate the economic system of the Khoy Bazaar and the role of guilds during the Safavid period, providing a relative understanding of the guilds' influence on the Khoy Bazaar and in the broader context of the Safavid era.

Keywords: *economy, Safavid, bazaar, guilds*

نظام اقتصادی بازار خوی و اصناف در دوره صفویه

رضا توپچیان^۱
محبوب مهدویان^{۲*}
حسن محمدی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸ | پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ | ایمیل نویسنده مسئول: dr.m.mahdavian@gmail.com

چکیده

شناخت نظام اقتصادی یک جامعه از مهمترین مسائل و موضوعاتی است که می‌تواند در پیشبرد اهداف آیندگان مورد بررسی قرار گیرد، از این رو بررسی لایه‌های تاثیرگذار آن امری مهم می‌باشد. اصطلاح اصناف در دوره صفویه خاص تجار و پیشه‌وران بوده است که در قالب انجمن و تشکیلات فعالیت می‌کردند. شکوفایی اقتصادی در دوره صفوی باعث رونق کار این تشکیلات شد به طوری که آن‌ها دارای سازمان و مناصب رسمی داخلی همچون کدخدا، استاد، شاگرد، پادو و مناصب بیرونی مرتبط همچون کلانتر، نقیب، محتسب، داروغه و... شدند که در نهایت باعث رونق اقتصادی جامعه آن عصر بودند. در این مقاله برآنیم تا با بررسی نظام اقتصادی بازار خوی و نقش اصناف در دوره صفویه به شناخت نسبی از نقش اصناف در بازار خوی و همچنین در دوره صفویه پی ببریم.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، صفویه، بازار، اصناف.

فصلنامه علمی

مطالعات سیاسی-اجتماعی
تاریخ و فرهنگ ایران

شاپا (الکترونیکی): ۹۷۷۰-۲۹۸۰

<http://journalspsich.com>

دوره ۲ | شماره ۴ | صص ۵۴۷-۵۷۰

زمستان ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید

درون متن

(توپچیان و همکاران، ۱۴۰۲)

در فهرست منابع

توپچیان، رضا، مهدویان، محبوب، و محمدی، حسن. (۱۴۰۲). نظام اقتصادی بازار خوی و اصناف در دوره صفویه. مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران، ۲(۴): ۵۴۷-۵۷۰.

مقدمه

با قدرت یافتن صفویان در ایران آرامش نسبی برای اقتصاد ایران ایجاد شد و این آرامش سبب رشد بازار و اصناف شد. از این روی شهرهایی نیز که بر سر راههای تجاری بودند رونق یافتند. با قرار گرفتن خوی بر سر راه جاده ابریشم و با رفت و آمد بازرگانان و تجار، بازار خوی نیز رونق نسبی به دست آورد و توانست با کمک اصناف و کسبه خود نقش اساسی را در اقتصاد منطقه داشته باشد. مسیر جاده ابریشم پس از رسیدن به خاک پهناور ایران، سرانجام در خوی به چند شاخه تقسیم می‌شد؛ شاخه‌ای که از طریق وان به غرب می‌رفت تا به دریای مدیترانه می‌رسید و شاخه‌ای که از طریق جلفا و نخجوان و گذر از سرزمین‌های قفقاز، به خاک اروپا می‌رسید. شاخه‌ای هم پس از عبور از پل خاتون که روی رودخانه قطور ساخته شده است به ارومیه وصل شده سپس به همدان می‌رسید و سرزمین‌های جنوبی را به جاده ابریشم وصل می‌کرد.

در دوره صفویه، به ویژه در دوران اوج این سلسله، نظام اقتصادی و اصناف نقش مهمی در تاریخ اقتصادی ایران ایفا کرده است که تحت تأثیر عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار داشت. در این دوره، شهرها به ویژه شهرهای آذربایجان، اصفهان و شیراز، شاهد رونق تجاری و صنعتی بودند و در همین زمینه، نظام اقتصادی مبتنی بر اصناف نقش برجسته‌ای ایفا می‌کرد.

این پژوهش در پی پاسخگویی به این سئوالاتی در این زمینه است که نظام اقتصادی بازار خوی و اصناف در دوره صفویه چه نقشی در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی و اجتماعی داشته است؟ همچنین، چگونه این ساختارهای اقتصادی با تحولات سیاسی و اجتماعی آن دوران مرتبط بوده است؟

دوره صفویه یکی از دوران‌های طلایی تاریخ ایران در زمینه هنر، فرهنگ و اقتصاد است. شناخت دقیق‌تر نظام اقتصادی خوی و به ویژه اصناف آن می‌تواند به درک بهتر تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن دوران کمک کند و نقشی که اصناف در تحکیم قدرت دولت صفوی و تعامل با جوامع محلی داشتند را روشن‌تر سازد. همچنین این بررسی می‌تواند اطلاعات مفیدی در زمینه توسعه اقتصادی ایران در دوره‌های بعدی فراهم آورد.

اهداف این پژوهش عبارتند از: ۱- تحلیل روابط اقتصادی و تجاری میان شهرها و بازارهای ایران در دوره صفویه ۲- ارزیابی نقش اصناف در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران به ویژه شهر خوی در دوران صفویه.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

مطالعات مختلفی در زمینه تاریخ اقتصادی ایران در دوره صفویه انجام شده است، اما توجه به عنوان پژوهش، که نظام اقتصادی بازار خوی و اصناف در دوره صفویه می‌باشد و همچنین با توجه به عدم توجه محققان و مورخان در این دوره به نظام‌های شهرهای محلی خاص مانند خوی، این نوع تحقیقات محدودتر بوده است. بررسی این مسأله می‌تواند خلاهای موجود در منابع تاریخی و اقتصادی موجود در شهر خوی را پر کرده و نگاهی نو به نظام اقتصادی بازار خوی و تعاملات اجتماعی و اقتصادی و همچنین اصناف در این دوره ارائه دهد. به طور کلی، این مسأله نیازمند پژوهش در زمینه تاریخ اقتصادی ایران و تحلیل ساختارهای اجتماعی و تعاملات تجاری است که در نهایت می‌تواند تصویری جامع از وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران در دوره صفویه به دست دهد.

پیشینه پژوهش:

کتاب‌های متعددی درباره اقتصاد دوره صفویه وجود دارد، اما تقریباً در همه آن‌ها اختصاصاً به شهر خوی علی‌الخصوص به اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آن اشاره نشده است. همچنین مطالبی که بعضاً در بعضی از مقالات یافت می‌شود ناقص بوده و یا پراکنده‌گویی در آن‌ها صورت گرفته است. کتب تاریخی نیز به سبب گزارش پراکنده وقایع و حوادث منطقه خوی و نواحی همجوار، اطلاعات مفیدی را درباره اوضاع سیاسی منطقه در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. از جمله در مورد حملات عثمانی‌ها، شورش خوانین و حکام، لشکرکشی‌های حکومت مرکزی به مناطق مرزی، اختلافات قومی بین ترک‌ها و کردها. از جمله این تواریخ می‌توان به: تاریخ افشار رشید ادیب الشعرا، تاریخ عالم آرای عباسی اسکندر بیک ترکمان اشاره کرد.

کتاب *اسناد تجارت ایران در ۱۲۸۷ قمری و اسناد حاج امین‌الضرب برای آگاهی از اوضاع تجاری خوی دارای اهمیت زیادی هستند*. با مطالعه کتب مذکور به روشنی می‌توان به اهمیت خوی به عنوان مرکز تجاری دست یافت. گذشته از آنکه از کالاها و اجناسی مبادلاتی، تجار خوی، نرخ کرایه‌ها آگاه شده که توسط خود تجار نگاشته شده است.

کتاب *یک سال در میان ایرانیان اثر ادوارد براون*، این کتاب حاوی اولین گزارش مفصل از منطقه خوی می‌باشد. او گزارش کاملی از خوی و نواحی روستایی بدست می‌دهد. وی همچنین به بررسی علل رشد و رونق خوی و زوال آن و نیز تاثیر تحرکات آرامنه، کردها و شورش خوانین در منطقه پرداخته است.

در میان آثار ایرانیان باید از کتاب مآثر السلطانیة اثر مفتون دنبلی یاد کرد که از جمله کتب باارزش شمرده می‌شود. وی گزارش کامل و مفصلی از وضعیت اجتماعی و سیاسی و نیز صنعت ماهوت^۱ بافی که در هیچ منبع دیگری به چشم نمی‌آید، بدست می‌دهد که در لابلای آن‌ها می‌توان منابع تغذیه بازار پی برد. افزون بر این، در کتاب مذکور از توسعه شهر و محله‌های شهر و آثار و ابنیه و بخصوص بازار خوی گزارش‌هایی آمده است.

تاریخ خوی: قدیمی‌ترین اثر در نوع خود از مرحوم آغاسی و دانش خویی؛ شاعر و نویسنده توانای خویی است. در این کتاب ضمن طرح مباحث تاریخی، تاریخ معاصر خوی به ویژه روزگار مشروطه و پس از آن، قضایای چون آمدن جیلوها و شورش اسماعیل سمیتقو با شرح و تفسیر بیشتری بررسی شده است که در نظام اقتصادی و اجتماعی این پژوهش استفاده‌های شایانی از آن شده است. تاریخ خوی: اثر امین ریاحی، که این کتاب در پنج قسمت به گذشته دور خوی تا دوره معاصر می‌پردازد. در این کتاب اطلاعات ارزشمندی درباره خوی و نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خوی آمده است. همچنین در این کتاب به وضعیت خوی <عروس شهرهای ایران> در جنگ‌های ایران و روس و عصر ناصرالدین شاه در جنبش مشروطه و به هنگام اشغال روسها و تاثیر آن در نظام اقتصادی بازار خوی اطلاعات مفیدی ارائه می‌کند.

سیمای خوی: اثر علی صدرایی، از محققان و فهرست نویسان نسخ خطی می‌باشد که این کتاب را در هفت بخش به نگارش درآورده‌اند. بخش اول این کتاب به جغرافیای طبیعی، موقعیت جغرافیایی رودها و.. اختصاص دارد که در این پژوهش به ویژه در تحول اوضاع اجتماعی و اقتصادی بازار خوی (کشاورزی، صنعت و تجارت) بسیار مفید فایده بوده است.

از دیگر پژوهش‌هایی که در وضعیت اقتصادی ایران و تاثیر آن در بازار خوی راهگشا بوده‌اند می‌توان به کتاب *تاریخ اقتصادی ایران* از چارلز عیسوی اشاره کرد که کتاب بسیار مستند و محققانه می‌باشد که تحول اقتصادی ایران را به طور کامل بیان می‌کند.

تاریخ تحولات اجتماعی ایران جان فوران با مطالعه و بررسی اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران، تصویر روشنی از تحولات اجتماعی در ایران دوره قاجار را ارائه می‌دهد. *ایران عصر قاجار* اثر لمبتون برای آگاهی از تجارت، مالکیت زمین و مالیات، اوضاع اجتماعی، نقش تجار و علما در اوضاع سیاسی بسیار مفید است.

^۱-نوعی پارچه

کتاب جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار نوشته ویلم فلور، مجموعه مقالاتی نویسنده است که به بررسی اوضاع طبقاتی جامعه ایران از جمله تجار و اصناف و نقش آن‌ها در حیات اجتماعی کشور پرداخته است.

اثر دیگری از آقای بهروز نصیری با عنوان خوی در گذر زمان در دست می‌باشد که نکات کلیدی مهمی را از این اثر میتوان استخراج کرده و در پژوهش حاضر بدان بسط و گسترش داد و نیز می‌توان پایان نامه با عنوان بازار و نقش سیاسی اجتماعی و اقتصادی آن در شهر خوی (از صفویه تا دوره پهلوی) از رضا توپچیان را بیان کرد که در آن به طور کامل اوضاع اقتصادی خوی و نقش بازار در تحولات خوی پرداخته شده است.

روش پژوهش

روش تحقیق این پژوهش روش مطالعات تاریخی یعنی، توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی مستخرج از منابع و مآخذ است. در این روش ابتدا منابع تاریخی شناسایی، مطالعه و فیش‌برداری می‌شود. سپس داده‌های تاریخی با نگرش انتقادی مورد تجزیه و تحلیل و استفاده قرار می‌گیرند.

مرور ادبیات پژوهش

در این پژوهش سعی شده است تا از منابع متنوع استفاده شود. بررسی وضعیت اقتصادی شهر خوی نیازمند ترکیب منابع مختلف تاریخی، آماری و میدانی است. در نقد این منابع باید به دقت داده‌ها، روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل‌های منطقی و مبتنی بر واقعیت توجه کرد. همچنین باید به چالش‌ها و فرصت‌هایی که در تحلیل وضعیت اقتصادی خوی وجود دارد، به‌طور جدی پرداخته شود تا تصویری دقیق و جامع از وضعیت اقتصادی این شهر ارائه گردد. برای نقد و بررسی منابع درباره وضعیت اقتصادی شهر خوی، لازم است که چند جنبه مهم از منابع مختلف مورد توجه قرار گیرد. در این پژوهش از منابع تاریخی و اسنادی و همچنین منابع آماری و اقتصادی و نیز از منابع آماری و اقتصادی و منابع میدانی و پژوهش‌های محلی استفاده شده است.

منابع تاریخی و اسنادی

اولین قدم در تحلیل وضعیت اقتصادی یک منطقه، بررسی منابع تاریخی و اسنادی است. در مورد شهر خوی، منابع تاریخی ممکن است به‌ویژه در زمینه کشاورزی، صنایع دستی و تجارت قدیمی این منطقه اطلاعات خوبی ارائه دهند. به‌طور خاص، منابع مربوط به دوره‌های مختلف تاریخ ایران، از جمله دوران صفویه و قاجار، می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی شهر در آن زمان‌ها باشد.

بررسی منابع آماری و اقتصادی

منابع آماری و گزارش‌های اقتصادی معمولاً از سوی نهادهای دولتی مانند سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران و استانداری‌های مربوطه منتشر می‌شوند. این منابع می‌توانند شامل داده‌های مربوط به تولید ناخالص داخلی، نرخ بیکاری، درآمد سرانه و دیگر شاخص‌های اقتصادی باشند. برای نقد و بررسی این منابع، باید به دقت از صحت داده‌ها، روش‌های جمع‌آوری اطلاعات و مقایسه آن با استانداردهای بین‌المللی توجه شود.

بررسی منابع میدانی و پژوهش‌های محلی

گزارش‌های میدانی از منابع مختلف، از جمله مطالعات دانشگاهی، مقالات تحقیقاتی و گزارش‌های تخصصی می‌تواند به‌ویژه در تحلیل وضعیت اقتصادی دقیق‌تر و جزئی‌تر کمک کند. پژوهش‌های محلی در مورد بخش‌های اقتصادی خاص مانند کشاورزی، دامپروری، صنایع کوچک و متوسط و تجارت در خوی، ممکن است تصویر دقیقی از وضعیت اقتصادی این منطقه بدهد. در بیانی دقیق‌تر می‌توان گفت که برخی منابع ممکن است به دلیل کمبود داده‌های دقیق و به‌روز، اطلاعاتی ناقص یا مبهم ارائه دهند. برخی تحلیل‌ها ممکن است به‌طور کامل به جنبه‌های کلیدی مانند سیاست‌های محلی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های اقتصادی، یا تعاملات بین‌المللی اشاره نکنند. همچنین گاهی منابع موجود تنها به یک بخش خاص مانند کشاورزی یا صنایع دستی پرداخته‌اند و تحلیل کلی‌تری از وضعیت اقتصادی کلان‌تری مانند خدمات و گردشگری در نظر گرفته نشده است.

پیشینه و موقعیت تجاری شهری

مرکز ثقل اقتصادی و نظام بهره‌وری از سرمایه را در مرکز شهر، بازار ایفا می‌نموده است. این نهاد با خرید و فروش و تولید و پیشه‌وری، گسترده به صورت مرکز رهبری امور اقتصادی و مالی شهر درآمد و با این اعتبار به عنوان جایگاه محوری سیاست و مذهب نیز محسوب می‌شده است. بازار به عنوان یک مجموعه اقتصادی موظف به حفظ و نگهداری از اطلاعات ارزشمند اقتصادی در مورد اماکن و کسب و کار و گاه برخی موضوعات مربوط به اوضاع و شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و حتی دینی است. بخش‌بندی ساحت بازار، میان گروه‌های مختلف تجاری و پیشه‌وری سعی شده که به صورت دقیق و مشخص باشد اما این بخش‌بندی گاه مجموعه‌ای دقیق و تفصیلی را از شاخه‌های اصلی و فرعی و جانبی یک تجارت یا پیشه دربر می‌گیرد و گاه این بخش‌بندی رعایت نشده است، این تفکیک حرفه‌ای و تجمع همپیشگان، انعکاسی از خواست آگاهانه بازرگانان بوده که آن را از لحاظ اقتصادی به سود و مصلحت همه می‌دانستند، محققان به این نتیجه رسیده‌اند که پدیده‌هایی نظیر گروه‌بندی صنفی و بخش‌بندی فضای بازار تنها زمانی در سازمان بازار به شکل منطقی و عملی

پدیدار می‌شود که کمیّت اقتصادی - اجتماعی شهر و بازار و بخصوص جمعیت شهر به میزان لازم رسیده باشد. البته بخشبندی فضایی، که بر حسب حجم کالا و نیاز گروه مشتریان صورت می‌گیرد، بر گروه‌بندی صنفی، که نیازمند ارقام جمعیتی بزرگتری است، مقدم است؛ بعضی دیگر تصوّر کرده‌اند که دلیل مضاعف برای گردآمدن گروه‌های یک رشته در فضای معین و محدود، یعنی تجمع همپیشگان، برای آسانتر کردن کار برداشت مالیات و نظارت حکومتی بوده است (لاپیدوس، ۱۳۸۷، ۱۰۰) بخشبندی بازار دارای اصول اساسی بود.

بازار را باید مهم‌ترین جامعه درون شهری در کشورهای اسلامی دانست که به سبب ارتباط مستمر با طبقات مختلف مردم، در تحولات اجتماعی به ویژه ایجاد نوعی تشکیلات منظم و تأثیر در گسترش برخی نهضت‌ها نقش بزرگی داشته و از نظر فرهنگی نیز حائز اهمیت خاصی بوده است (سجادی، ۱۳۷۹، ۱۱/۱۲۷).

اگر چه بازارها کارکردهای اقتصادی داشته‌اند ولی بازارهای شهری در ایران هیچ زمانی مکان عرضه و فروش صرف کالا نبوده و کارکردهای غیر اقتصادی آن نیز بسیار مهم بود. تنوع فعالیت‌های اقتصادی و درون شهری و نیاز متقابل و مستمر مردم شهری به یکدیگر موجب می‌شد که بازار به عنوان محل تلاقی آن‌ها فرهنگ مشترکی را بپذیرد که از ملاحظیات قومی، عقیدتی و محلی فراتر بود. پویایی و تحرک بازار نه به عنوان مرکز تولید و توزیع کالا بلکه به عنوان بنیادی اقتصادی، نهادی اجتماعی و میراثی فرهنگی مطرح باشد. همین پویایی بازار و فراگیری کارکرد آن موجب می‌شد که ساخت سیاسی جامعه در تمامی ادوار نسبت به آن چه در بازار می‌گذشت بی‌توجه نباشد و سعی در حفظ نفوذ و تسلط خویش بر بازار نماید (فلور، بی‌تا).

از لحاظ اجتماعی و فرهنگی بازار کانون بزرگ خبر رسانی درون شهری بوده است. اطلاعات و اخبار از همه مراکز مذهبی^۱، آموزشی^۲، اداری^۳، اقتصادی^۴ و دیگر مراکز شهری و غیر شهری، نخست، وارد بازار اصلی می‌شد و از آن جا به همه نقاط شهر جریان می‌یافت. خبرهای مهم و رسمی را نیز منادیان و جارچیان در بازارها به اطلاع مردم می‌رساندند (پروشانی، ۱، ۳۶۰/۱۳۸۱).

یکی از وجوه قابل بررسی بازار، نقش و موقعیت آن در برخی حوادث سیاسی، کشمکش‌های مذهبی، امور نظامی، بحران‌های درون شهری و وقایعی است که بر خود بازار عارض می‌شده است. بازار به سبب موقعیت شهری می‌توانست محیطی مناسب برای تبلیغ و دعوت دینی و سیاسی باشد در واقع

^۱- مانند مسجد جامع

^۲- مدارس دینی

^۳- دارالحکومه و دیوان‌ها

^۴-راسته‌ها و سراها و حجره‌ها

نیز شواهدی در دست است که نشان می‌دهد بازار و بازاریان مکان مهم برخی از نهضت‌ها بوده- اند (سجادی، ۱۳۷۹، ۱/۱۳۰).^۱

بازار خوی پدیده مهمی در ساختار زندگی شهری به شمار می‌رفت. این پدیده نه تنها ریشه اقتصادی و اجتماعی داشت، بلکه جزء میراث فرهنگی و بازتابی از هنر و معماری این شهر می‌باشد و به دلیل عملکردهای گسترده‌اش در همه جای شهر تاثیر می‌گذاشت. مردم این شهر بنا به اقتضای وضع زندگی خود با بازار ارتباط داشتند و به علت نیازهای زندگی خود به بازار رفت و آمد دائمی داشتند. بازار خوی در نقطه مرکزی شهر واقع شده که علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی محلی برای تلاقی افکار و اندیشه‌های سیاسی، دینی و غیره به حساب می‌آمد، که این امر در فضای کالبدی و بافت شهری خوی تاثیر اساسی داشت و محلات و عناصر دیگر شهری ارتباط شعاعی با آن داشتند. ساختار سنتی بازار خوی قابلیت ادامه‌ی حیات را داراست. دکان‌های کوچک، تخصصی بودن زیاد محصولات، راسته‌های پر از دکان‌های مشابه، پیشه‌ورانی که خودشان تولیداتشان را عرضه می‌کنند و خصوصیات دیگر، نظام سنتی بازار را مشخص می‌کند.

بازار خوی تقریباً ۶۰۰ باب مغازه با کاربری‌های متفاوت و تعداد ۴ سرای نسبتاً بزرگ، ۲ حمام قدیمی و یک باب مسجد، محله مرکزی و اصلی معاملات و پیشه‌وری شهر بود که در هسته مرکزی شهر و در درون مجموعه‌ای از ساختمان‌های ثابت و همگن و با شکل و معماری خاص جای داشت. هدف اصلی این تحقیق در وهله نخست تدوین یک کار پژوهشی است و نتیجه آن گشودن افق‌های جدید در عرصه تحقیقات نو در حوزه فرهنگ پژوهشی که یک دوره کامل از تاریخ بازار خوی و نقش آن در شهر خوی را از نظر سیاسی و فرهنگی و اجتماعی مشخص می‌نماید.

پیشینه تاریخی بازار خوی

بازار خوی با نام ثبتی مجموعه بازار شهر خوی مربوط به دوره صفوی می‌باشد که در تاریخ ۲۴ خرداد ۱۳۶۶ با شماره ثبت ۱۷۲۸ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسید. (پرونده مجموعه بازار شهر خوی در فهرست آثار ملی ایران) این بازار یکی از زیباترین و هندسی‌ترین بازارهای ایران بعد از بازارهای اصفهان، تبریز و کرمان و شیراز می‌باشد. این بازار مستطیل شکل است. این بازار با

^۱- یکی از بزرگترین نقشهای بازار در تحولات اجتماعی و سیاسی را باید در نهضت مشروطه‌ی ایران دید که بازاریان در بروز و تداوم آن نقش مهمی داشتند و به عنوان استوارترین نقاط اتکای اقتصادی و اجتماعی رهبران این نهضت به شمار می‌رفتند (کسروی، ۱۱۰/۲۵۳۵، ۱).

سپری کردن روزگاران پر فراز و نشیب هنوز هم، نبض تپنده ی اقتصاد خوی را در حجره‌ها و راسته‌ها و کاروان‌سراها و مغازه‌های خود داراست.

بازار قدیمی خوی مربوط به زمان صفویه می‌باشد، اما شالوده اصلی بازار خوی به زمان زندیه و قاجار می‌رسد، پادشاهان صفویه بخاطر نزدیکی به مرز عثمانی و کنترل ایلات و عشایر مرز نشین توجه زیادی به این شهر نموده اند و گاهی از آن به عنوان پایتخت تابستانی استفاده می‌نمودند (آرشیو سازمان میراث فرهنگی). این بازار و هم چنین دروازه ی سنگی، بقایای به جای مانده ی دیوار حصار شهر قدیم خوی و خندق پشت آن، مجموعه ی کاملی از سبک شهرسازی دوره ی اسلامی در دوره‌های افشاریه، زندیه، قاجار، اوایل پهلوی و معماری دوره‌ی خاندان دنبلی را نشان می‌دهد (دولت‌شاهی، ۱۳۸۱، ۹۳).

وجود کتیبه‌ای منسوب به شاه طهماسب صفوی در موزه شهرستان خوی نشان می‌دهد که ظاهراً قدمت بازار خوی به دوره صفوی باز می‌گردد و با توجه به فرمانی که در این کتیبه آمده می‌توان گفت که این فرمان مربوط به بازسازی بازار، بعد از خرابی‌های ناشی از هجوم عثمانی‌ها بوده است. اما همه بناهای بجا مانده مربوط به دوره افشاریه به بعد است با توجه به این که مجموعه بازار، در دوره افشاریه، زندیه و قاجاریه ساخته شده است، در کل معرف معماری دوره‌های مذکور است. بخش واقع در ابتدای راسته بزازان با ارتفاع بیشتر، عرض کمتر و گنبدهای کوچک با هواکش‌های مدور قابل مقایسه با معماری زندیه است (نصر، ۱۳۸۴، ۹۹).

شهر و بازار خوی در کتب و متون قدیمی، از سوی نویسندگان معتبری چون ابن حوقل (۳۴۶ هجری قمری) مورد اشارات گوناگون قرار گرفته است (ر.ک: ابن حوقل، ۱۳۶۶، ۸۴). از این رو به نظر می‌رسد، بازار قدیمی خوی پیش از قرن چهارم ساخته و پایه گذاری شده است (آرشیو سازمان میراث فرهنگی) ولی در اثر حوادث و سوانح طبیعی و انسانی سالیان متمادی، صدمات زیادی دیده است و در حال حاضر بازار موجود خوی، از زمان زندیه به بعد مخصوصاً بیشتر قسمت‌های آن به دستور عباس میرزا نایب السلطنه ساخته شده است، که مجموعه‌ای بسیار زیبا و دیدنی است (نصیری، ۱۳۸۱، ۱۲۹)، اما در منابع، ساخت این بازار به دستور احمد خان دنبلی (متوفای ۱۲۰۰ه.ق) حاکم خوی، به طرح بازار وکیل شیراز نیز گزارش شده است (صدرائی خویی، ۱۳۷۳، ۱۳۳) و نیز کاروانسرای بزرگی پیوسته به آن بنا گردید که امروز هم به نام کاروانسرای خان، معروف است و هم چنین در زمان فتحعلی شاه به دستور حسین خان دنبلی از حکمرانان زمان نسبت به توسعه و تکمیل بازار همت گماشته شده است (آرشیو سازمان میراث فرهنگی).

بازار در کالبد شهری خوی

بازار مهم‌ترین محور ارتباطی و فضای شهری ایرانی در گذشته به شمار می‌آمده است زیرا بازارهای اصلی و دائمی در هر شهر به طور معمول در امتداد مهم‌ترین راه و محور شهری که از یک دروازه شروع می‌شد و تا مرکز شهر ادامه می‌یافت، شکل می‌گرفت؛ به عبارت دیگر در وهله نخست یک راه اصلی و پرتردد وجود داشت که فضاهای تجاری و گاه تولیدی در کنار آن تشکیل می‌شدند و به تدریج بازار پدید می‌آمد. شکل‌گیری تدریجی بازار به این علت بود که بیشتر شهرهای ایرانی از توسعه یک روستا پدید می‌آمدند و تنها تعداد انگشت شماری از شهرها به صورت طراحی شده ساخته می‌شدند (سلطانزاده، ۱۳۸۰، ۲۰).

بازار فعلی شهر خوی که به عنوان قلب اقتصادی شهر به فعالیت ادامه می‌دهد، تنها قسمت کوچک باقیمانده از بازار قدیم شهر می‌باشد که در اثر حوادث طبیعی و غیر طبیعی گوناگون، از جمله چندین زلزله و آتش سوزی و بویژه در اثر اقدامات شهرسازی و خیابان‌کشی‌های دوران پهلوی قسمت‌های زیادی از آن تخریب و بخش‌هایی از آن همچون سایر اجزاء و عناصر مرتبط و وابسته به آن از این مجموعه منفصل و جدا گشته‌اند.

بازار شهر خوی همواره بعنوان یکی از مهمترین عناصر شهری و هسته اصلی و مرکزی شهر و شاه‌رگ اقتصادی شهر مطرح بوده و بافت شهر نسبت به این هسته مرکزی بصورت شعاعی شکل گرفته و به عبارتی دیگر بازار به عنوان مهمترین عنصر در بافت قدیمی خوی و رکن عمده تجاری شهر تاثیر مستقیم در فرم کالبدی و استخوان بندی شهر داشته است. و در نحوه رشد شهر و شکل‌گیری محلات به صورت محسوسی بازار جهت دهنده بوده است. اصولاً نقش بازار در شهر خوی و رای‌تامین مایحتاج عمومی مردم شهر و حتی مناطق و روستاهای اطراف نمونه بارزی از خصوصیات فرهنگی و اجتماعی این شهر نیز بوده است. اما با این حال با توجه به دلایل مختلف گاهی اوقات این مرکزیت و نقش‌ها کم رنگ‌تر شده است و همراه با بازار خوی این نقش‌ها نیز با گذشت زمان در طی سالهای متوالی شاهد تغییرات کم و زیاد مختلفی بوده است.

ارکان بازار

در واقع بازار با تجمیع ارکان حیاتی، به قلب تحرکات شهری تبدیل شده بود، که در ذیل این ارکان به صورت خلاصه تحلیل و تبیین می‌شود:

ارکان مذهبی: با توسعه اسلام در ایران مسجد به عنوان شاخصه اسلامیت در سیمای کالبدی شهر نمایان گشت. با توجه به گرایش اکثریت مردم ایران به دین اسلام ساخت مساجد در ایران فزونی یافت و کارکرد عبادی و مذهبی ویژه‌ای در میان عموم مردم یافت این عامل باعث شد ارتباط پیوسته

و تنگاتنگی با سایر اماکن همچون بازار و بازارچه ... پیدا کند که این نیز عاملی بود تا مساجد در ابتدای بازارها و یا در امتداد راسته‌های اصلی به فرعی قرار گرفته و در هم متصل باشند. بازار با مسجد جامع که مرکز دینی شهر بوده ارتباط اجتماعی و کالبدی نزدیکی داشته‌اند و معمولاً مسجد جامع در کنار شاهراه اصلی شهر یا در محل برخورد شاهراه‌های اصلی جا داشته و در سوی دیگر آن بازارها قرار داشتند حتی در شهرهای اسلامی تازه ساز ابتدا مسجد جامع را بنا می‌کردند و سپس بازار را در کنار آن می‌ساختند (اشرف، احمد، ۱۳۵۴، ۲۵).

براساس بقایای بازار شهر و یافته‌های تاریخی می‌توان گفت، بازار و مسجد جامع بخش اساسی و هسته مرکزی شهر را تشکیل می‌دادند لذا، با استناد به متنهای کهن تاریخی و جغرافیایی، این شهر نیز به مانند شهرهای دیگر اسلامی) متشکل از سه رکن اصلی ارگ، مسجد جامع و بازار بوده است. به هر حال، همبستگی مسجد جامع و بازار و اهمیت این دو در ساختار بنیادی شهر امری مشهود و عینی است؛ اینکه، تا روزگاری دراز زندگی و فعالیت اقتصادی - اجتماعی و تا حدودی مذهبی و سیاسی این شهر در بازار ظهور و بروز داشته است، قطعی است. هنوز هم در ذهن بسیاری از مردم، بازار مرکز همه فعالیت‌های شهری است (نک: اشرف، ۱۳۵۹، ۲۳-۲۷). بازارخوی دارای یک مسجد به نام مسجد حاجی بابا می‌باشد که در حال حاضر برای بازارایان و کسبه دارای اهمیت ویژه‌ای است و همچنان از گذشته تا کنون از رونق بسزایی برخوردار می‌باشد.

ارکان اقامتی: سرای و کاروانسرای که در واژگان بازار در ایران بیشتر کاربرد تاریخی دارد و در متون جغرافی نویسان اسلامی قرنهای چهارم و پنجم، برای بازار شهرهایی مانند ری، نیشابور، اهواز و کازرون به کار رفته است (پروشانی، ۱۳۸۱، ۲۳/۱-۲۲)، این عنوان قبلاً به مسافرخانه‌های بیرون شهری و حومه اطلاق می‌شد، در قرن یازدهم و به تنهایی و بتدریج همه وظایف و کارکردهای آن را در داخل حصارهای شهر بر عهده گرفت. شمار خانها و وسعت آنها در میان بازار یا در وسط شهر دلالت بر اهمیت اقتصادی و داد و ستد بین المللی شهر داشته است، همان گونه که خانها یا کاروانسراهای بیرون شهری محل توقف و انبارکردن کالاها و اقامت کوتاه مدت بازرگانان برای فروختن آنها بوده است، سراهای تجاری داخل بازار، بیشتر محل عمده فروشی کالاهای وارد شده یا آماده صدور است که به صورت عدلها و لنگه بارهای بسته بندی شده در حیاط یا انبارهای خان انباشته می‌شدند و همچنین استراحتگاه بازرگانان غیر بومی نیز در طبقه دوم خانها جای داشتند.

ارکان آموزشی: از دیگر نقش‌ها و کارکردهای بازار سنتی، آموزش بود که در مدارس و حوزه‌های علمیه و مساجد واقع در آن انجام می‌پذیرفت. مدارس دینی از عوامل مهم تشکیل دهنده بازار و شهرهای اسلامی - شرقی است (پوراحمد، ۱۳۷۶، ۱۲۴). پس از اسلام دو عامل مهم یعنی نخست افزایش و گسترش منابع فقه و علوم مذهبی و کارکردهای اجتماعی آن و دوم رقابت‌های مذهبی

سیاسی موجب تکوین مدرسه‌ها شد. (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۴، ۲۸۳) اغلب مدارس بزرگ در امتداد یا در جوار بدنه بازار و راسته‌های اصلی شهر احداث می‌شدند. شهرهایی مانند اصفهان، تبریز، یزد نمونه‌هایی از این موضوع هستند (سلطانزاده، ۱۳۶۶، ۶۶).

وجود ارکان آموزشی در کنار راسته‌های بازار و همچنین جنب مساجد از یک طرف نمایانگر اهمیت علم و فرهنگ در اسلام می‌باشد و از طرف دیگر باعث آموزش بازاریان و آشنایی آنان با مباحث دینی و مذهبی بوده است و نیز باعث ایجاد و همبستگی بین تجار و علمای دینی و رهبران مذهبی می‌باشد.

اصناف فقط واحدهای مالی حکومت شهرهای ایران نبودند، بلکه دارای سلسله مراتبی صنفی بودند و نقش برجسته‌ای در حیات تولیدی پیشه‌وران بازی می‌کردند. در رأس هر صنف، نقیب یا استاد باشی قرار داشت که معمولاً روحانی بود. وظایف او عبارت بود از کنترل آداب و مسائل اخلاقی اعضای صنف و انجام وظایف شرعی آن. نقیب بر کلیه مقرراتی که از طریق آن، شاگرد به استادی صنف می‌رسید هم نظارت داشت (عیسوی، ۱۳۶۲، ۴۴۶).

ریش سفیدان صنف نیز بر آموزش استاد به شاگرد نظارت می‌کردند، ولی نقش اصلی آنان در جمع آوری مالیات بود. این افراد از بین سالخورده‌ترین و محترم‌ترین اشخاص انتخاب می‌شدند و اگر کسی ادعایی داشت، تنها از طریق ایشان می‌توانست با دولت و یا حتی شخص حاکم ارتباط برقرار کند. ریش سفیدان رابطان بین تاجران و پیشه‌وران هم بودند (اشرف، ۱۳۵۹، ۳۱). ریش سفیدان شورای اصناف را تشکیل می‌دادند و در روابط بین استاد و شاگرد دخالت نمی‌کردند. فقط زمانی که استادی دچار کجی بزرگی می‌شد، شورا دخالت می‌کرد. شورای صنفی برای هر استاد کاری نشانی تعیین می‌کرد تا کالاهایش با آن مشخص شود. این نشان امکان نظارت بر کیفیت و کمیت کالاها را فراهم می‌کرد (زاهد زاهدانی، ۱۳۸۱، ۲۷۷).

ارکان بازرگانی: اقتصاد هر شهری را می‌توان به مجموعه‌های ذیل تقسیم کرد:

۱- صنعت شامل کارگاه‌های تولیدی و صنایع دستی

۲- اصناف بازار

۳- تجارت و بازرگانی

میان بخش‌های مختلف اقتصادی و مالی بازار و نوع ساختار بنا و معماری آن بتدریج و با گذشت زمان هماهنگی معقولی برقرار شده است. از کوی‌ها و گذرگاه‌های اصلی و فرعی (راسته‌ها) برای خرده‌فروشی و پیشه‌وری، از خان‌ها برای تجارت عمده و مبادلات خارجی (صادرات و واردات) مانند سرای خان و... و از فضاها و مجموعه‌های سرپوشیده برای تجارت کالاهای گرانبهاتر استفاده می‌شد. راسته‌ها و خان‌های بازار عنصر اصلی بودند و تالارهای سرپوشیده، دالانها و میدان‌ها تنها در مواردی

جزء بازار شمرده می‌شدند. سایر بناهای مذهبی و رفاهی مانند مساجد، حمام‌ها، خوراک‌پزی و... که کامل‌کننده محله تجاری - اجتماعی بازار هستند به تناسب نیاز در راسته‌های خاصی جای گرفته‌اند. در این میان محل مسجد به دلیل مقدم بودن وظایف مذهبی مسلمانان از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

راسته‌ها: عنصری که به محض ورود به مجموعه بازار نظر همه را جلب می‌کند، راسته بازارهاست؛ راسته یا گذرگاه اصلی و فرعی بازار، مسیری نسبتاً طولانی است که در دو طرف آن دکانها و فروشگاه‌های به هم پیوسته، در یک ردیف رو به سوی گذرگاه‌ها دارند. این گذرگاه‌ها معمولاً محور اتصال مرکز شهر به خیابان‌های اطراف و جاده‌های خارج از شهر است. ضمناً در ورودی تأسیسات و سایر بخشهای خصوصی‌تر تجاری و رفاهی بازار نیز غالباً در طول یکی از همین راسته‌ها قرار دارد. مجموعه بازار خوی از چند راسته به نام‌های: راسته بازار، راسته جوادیه، راسته ملاحسن، راسته زرگران، راسته پشت قنادیها، راسته قنادیها، راسته صندوق سازان، راسته مسگرها، راسته سبزی فروشان، راسته حلبی سازان، راسته سرآجان، راسته فرش فروشان.

سراهای بازار خوی به نام‌های: سرای خان، سرای چیت ساز، سرای حاجی میرهاشم و سرای کشمشچیلر می‌باشد میدان‌های قدیمی هم چون: میدان زغال فروشان و میدان گندم کهنه و میدان قپان. همچنین بازارهایی به نام‌های: دوشابچی بازار، خرازی بازار، حراج بازاری، کیسه بازار و قصاب بازاری تشکیل شده است، که راسته‌ها و سراها و میدان‌ها به وسیله‌ی گذرها به هم متصل می‌شوند که از جمله گذرها می‌توان به گذر قپان و گذر امیر اشاره کرد.

راسته‌های بازار خوی به دو صورت ارگانیک و هندسی شکل گرفته و به دو گروه اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. راسته‌های اصلی، به راسته‌هایی گفته می‌شود که دارای طول زیادی بوده و راسته‌های فرعی از آن انشعاب می‌گیرد. این راسته‌ها اکثراً مرتبط به یکی از معابر اصلی شهر بوده و نسبت به معابر دیگر اهمیت ویژه‌ای دارند؛ راسته‌های فرعی که بین راسته‌های اصلی قرار دارند و اکثراً محل عرضه کالای خاص می‌باشند. در حال حاضر وضعیت کاربری راسته بازارها به هم ریخته و صنوف گوناگونی در یک راسته ممکن است وجود داشته باشد، بدین صورت که در کنار مغازه‌ای با کاربری خرازی، مغازه‌ای با کاربری کیف فروشی نیز وجود دارد، این موضوع باعث شده راسته بازارها از حالت بورس خارج شده و انسجام کاربری خود را از دست بدهند.

تراکم مغازه‌ها بیشتر در شمال بازار مشهود است آن جا که راسته بازارها معروف به خرازی بازار، فرش فروشان، مسگران و زرگران و علی‌الخصوص بزازان قرار دارد (آرشیو سازمان میراث فرهنگی). طول راسته‌های بازارخوی متفاوت بوده و به شهادت متون تاریخی گاه به یک یا دو فرسخ می‌رسیده است.

اما بخش مسقف و پر جنب و جوش بازارها ۵۰۰ متر است؛ عرض محورهای اصلی راسته‌ها سه متر است؛ بناهای راسته‌ها، معمولاً یک طبقه هستند.

در این بازار روی حجره‌ها، نیم طبقه‌ای تعبیه شده که از آن به عنوان انبار یا کارگاه یا دفتر استفاده می‌شود. از خصوصیات مهم راسته‌ها، به عنوان عنصر بنیادی بازار، نبودن خانه‌های مسکونی در میان آن‌هاست، مگر در انتهای راسته که بازار به کوچه‌های خانه دار معمولی می‌پیوندد (به نقل از بازاریان و کسبه). بخش مرکزی راسته‌ها سرپوشیده هستند؛ به تبعیت از شرایط جوی شهر، از پوشاندن راسته‌ها گزیری نبوده است. ارتفاع سقف بازار به علت سردسیر بودن شهر، کمتر است و حدوداً به چهار متر می‌رسد قابل ذکر است که ارتفاع گنبدها دو متر بیشتر از سقف است، که حدوداً ارتفاع آن به شش متر می‌رسد. بخش‌های مهمتر بازار نیز به دلیل اهمیت و اعتباری که دارند با سقفهای گنبدی پوشش یافته‌اند. بخشهایی دیگر به هنگام مرمت یا بازسازی پوشانده شده‌اند؛ شکل سقفها تابع سنت معماری محل و مصالح ساختمانی در دسترس است و بیشتر از خشت و آجر استفاده شده و شکل سقفها به صورت ردیف گنبدهایی بر چهار پایه لچکی یا چند گوشه یا طرح گهواره‌ای (آهنگ) یا قوس‌های تک پوشه است.

بخشی از تهویه و نوررسانی بازار، از طریق روزنه‌های تعبیه شده در وسط گنبدها، یا دریچه‌ها و شبکه‌های احداث شده در پایه گنبدها تأمین می‌شود. بخش‌های مرکزی و پر رفت و آمد راسته‌ها به دکان‌های خرده فروشی و بخش‌های کناری و پیرامونی در بخش‌های شمالی به کارگاه پیشه‌وران و دست‌دوزان اختصاص یافته بود. سبک شمردن صنایع دستی باعث انحلال کارگاه‌های آن در برخی از بازارها شده و گهگاه بعضی از حجره‌ها از صورت سنتی خود خارج و به مغازه‌های شیشه (ویترین) دار جدید مبدل شده‌اند، اما شکل سنتی برخی از دکان‌ها و حجره‌ها هنوز هم در بعضی از مواضع حفظ شده است.

در دکانها دو لنگه یا چند لنگه است که به هنگام شب بسته یا به اصطلاح معمول تخته می‌شده و در روز، به هنگام غیبت صاحب دکان، فقط پارچه‌ای روی اجناس می‌کشیدند. این رسم هنوز هم در بازار، بخصوص در راسته‌های اصلی معمول است.

پیشه‌ها و حرفه‌ها

در بازار خوی از هرگونه هنر و پیشه‌ای، از خیاطی، کفاشی، خرده‌فروشی، عطاری و بقالی گرفته تا هر نوع مؤسسه تجارتي و صرافى یافت می‌شد. در یک تقسیم‌بندی کلی کسانی که در بازار این شهر فعالیت داشتند عبارت بودند از:

۱ - بازرگانان: کسانی که به تجارت برون شهری می‌پرداختند. ارتباط آن‌ها با بازار (پیشه‌وران) به واسطه تجار خرده‌پا و دلان و واسطه‌ها و معمولاً در بخش‌هایی از بازار همچون تیمچه‌ها، خان‌ها،

کاروانسراهای درون شهری انجام می‌گرفت (خیرآبادی، ۱۳۸۸، ۱۲۴-۱۲۸). به طور معمول ارتباط میان بازارهای شهر و روستا هم به وسیله قشر عظیم پيله وران و دلانان محلی انجام می‌گرفت؛ تعدادی هم بازرگان وجود داشتند که از طریق تجارت با خارجه گذران می‌کردند.

۲- پیشه‌وران: کسانی که به تولید و فروش کالا جهت پاسخ‌گویی به نیازهای درون شهری می‌پرداختند و در دکان‌ها و کارگاه‌های واقع در راسته بازار فعالیت می‌کردند؛ گفتنی است که بسیار به ندرت به نام صنعت کاران شهر در منابع مکتوب بر می‌خوریم.

البته بازاریانی بودند بی‌آنکه خود دستی در تولید داشته باشد بسیاری از ابزارها و مواد اولیه و گاه کارگاه را در اختیار داشتند و به پیشه‌وران اندک مایه اجاره می‌دادند. در پرتو این نوع سرمایه‌داری، بخش عمده دستاوردهای کشاورزی که مازاد مصرف روستا بود و سایر رشته‌های اصلی تولید در شهر جمع می‌شد و در دسترس قشر نسبتاً وسیع و متمایزی قرار می‌گرفت. از این رهگذر برای این شهر نه تنها از نظر تعداد ساکنان بلکه از لحاظ مادی و فرهنگی فرصت تفوق حاصل می‌شد. امری که تا به امروز در این شهر مشهود است؛ به طوری که بازار ارومیه، سازمان دهنده کار و به کار گیرنده نتیجه فعالیت‌های اقتصادی حومه‌های خویش است. مالکیت اراضی روستایی، آب، بازاریابی فرآورده‌های کشاورزی، تولید و بازاریابی فرش و خدمات عمومی و خصوصی در مناطق روستایی در بسیاری موارد در تصرف اهل بازار بود که با مهارت خاص خود بهره‌ها و مزایای فراوانی از روستاها می‌بردند؛ از طرف دیگر باید اذعان کرد این سازماندهی و مشارکت مؤثر نه تنها در تجارت و پیشه‌وری شهر بلکه در سازماندهی و تأمین مالی بعضی بخشهای کشاورزی، صنایع محلی و روستاهای حومه، بازار شهری را به صورت سازمانی جدی، پرتحرک و ثمربخش درآورده بود. بنابراین تصویری که از نقش منفی شهر در بعضی از تحقیقات انعکاس یافته غیرمنصفانه می‌باشد (ویرت، ۱۳۸۶، ۲۱۷).

با توضیحات فوق، فعالیت‌های اقتصادی بازار خوی را که می‌توان جزئی از نظام اقتصادی پیشه‌وری به شمار آورد، اکثراً تولید، انبار و فروش کالاها معمولاً در مغازه‌ها و کارگاه‌های خرده‌فروشی که در درون فضای بازار قرار داشت صورت می‌گرفت و تولیدکننده و فروشنده آن معمولاً یک نفر بود. در بهترین حالت این فرد به عنوان استاد کار که اغلب مالکیت مغازه یا کارگاه را نیز از آن خود داشت دارای شاگرد و بعضاً معید(خلیفه) بود. در نظام اقتصادی پیشه‌وری، به ویژه از آن نوع که در ایران وجود داشت، حتی آن دسته از تولیداتی که فضای گسترده‌تری مورد نیاز داشت نیز در درون فضای بازار انجام می‌شد و به ندرت نمونه‌هایی از آن‌ها در خارج از بازار و در حواشی شهر انجام می‌گرفت (خیرآبادی، ۱۳۸۸، ۱۲۳-۱۳۲). با این اوصاف در اغلب اوقات پیشه‌وران و محترفه در اصل یکی

بودند. هر دو لفظ پیشه ور و محترفه نیز به یک معنا اشاره داشته و صاحبان حرف و فنون را شامل می‌شود.

اصناف

اصناف جمع صنف، به معنای گونه و نوع (دهخدا، ۱۳۶۵، ۱۵۰۷۱/۱۰). اصناف بر قشرهایی از مردم اطلاق می‌شود که از لحاظ حرفه و پیشه با هم متمایز باشند (همو، ۲۸۱۶/۲). صنف به اتحادیه یا انجمنی از کارکنان تولید کننده یک کالای خاص یا ارائه کننده خدمتی خاص (صنعتگران و پیشه وران)، اطلاق می‌شود که علاوه بر همکاری در زمینه تولیدی در حیطه مسائل اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی با یکدیگر هم فکری و همکاری می‌کنند (زاهد زهدانی، ۱۳۸۱، ۲۱۵-۲۱۶).

اصناف زمانی شکل می‌گیرند که گروهی از مردم با سازماندهی خود به‌عنوان یک واحد اجتماعی سعی دارند با وضع قواعدی برای نظم‌دهی به روابط اعضا و تعیین وظایف آنها، به اهداف مشخص و معینی دست یابند. این سازمان‌ها با ویژگی‌هایی نظیر همبستگی و انسجام، داوطلبانه و خودجوش بودن، غیرانتفاعی بودن، اشتراک ارزشی اعضا، خودمختاری و مشارکت، از سازمان‌های اقتصادی یا دولتی متمایز می‌شوند. در بازار نیز برحسب نوع فعالیت، کسبه معمولاً در یک جا دور هم جمع می‌شوند، به ویژه پیشه‌ورانی همچون مسگران، آهنگران و زرگران. بیش‌تر این حرفه‌ها و خرده‌فروشی‌ها به صورت «صنوف» مختلف سازماندهی شده‌اند.

بازاریان و پیشه‌وران انجمن‌های صنفی داشتند. اعضای هر صنف، از میان خود، یک نفر را که مورد اطمینان کامل آنان بود انتخاب و طی صورت مجلسی به او گواهی می‌دادند که رئیس و معتمد آن هست وواجبی نیز برایش تعیین می‌کردند. آن‌گاه این سند را به امضای نقیب که معاون داروغه شهر بود، می‌رساندند و از او تعلیقه و گواهی و خلعت برای برگزیده خود می‌گرفتند. دست یافتن بر مقام استادی نیز در هر صنف با حکم کلانتر انجام می‌شد و صنف صلاحیت فنی استاد کار را گواهی و تصویب می‌کرد در هر صنفی درجات مختلف شاگرد، خلیفه و استاد وجود داشت و مراسمی نیز برای اعلام استادی برگزار می‌شد. هیچ کس نمی‌توانست بدون اجازه رئیس صنف، کارگاه صنفی دایر کند. استادان صنوف، مجامعی داشتند و مالیات‌های پیشه‌وران طی جلسه‌ای که در سه ماهه اول هر سال، در خانه کلانتر شهر برپا می‌شد تعیین و میان اصناف مختلف تقسیم می‌شد (معتضد، ۱۳۶۶، ۱۱۳-۱۱۴).

انجمن‌های صنفی از نظر گاه‌های مختلف زیر نظارت شدید دستگاه حکومتی شهر بودند. داروغه از نظر انتظامی و امور جزایی، بازارها را زیر نظارت کامل داشت، محتسب بر جزئیات فعالیت‌های اصناف از لحاظ کیفیت کار و اوزان و مقیاسات و تنظیم فهرست قیمت‌های جاری نظارت می‌کرد و

خلافکاران را به شدیدترین و موهن‌ترین وجهی کیفر می‌داد و حکمرانان شهر نیز، که به ظاهر باید از اصناف حمایت کند، عملاً وظیفه اش سهمیه بندی مالیات‌ها بود و در واقع، واسطه‌ای بود میان دستگاه مالیاتی و پیشه‌وران شهری. انجمن‌های صنفی از نظر دستگاه حکومت وسیله‌ی مناسبی بودند تا سازمان گردآوری مالیات و بیگاری بتواند با پیش‌وران شهری به طور دسته جمعی روبه‌رو شود و به آسانی وظیفه اش را انجام دهد (مینورسکی، ۱۳۶۸، ۳۱-۳۲).

وظایف و کارکردهای اجتماعی اصناف وسیع‌تر بود. رؤسای اصناف به نمایندگی از طرف حکومت شهری وظایف اداری و مالی داشتند و مباشر مالی حاکم شهر بودند، رؤسای اصناف را حاکم شهر، با توافق اعضاء رسماً منصوب می‌کرد. بدین ترتیب رؤسا یا کدخدایان اصناف در برابر حاکم شهر مسئول وصول مالیات و اداره امور صنف خود بودند. اصناف هم از نظر شکل شهر و قرار داشتن بازارها در جوار مسجد جامع و مساجد دیگر و هم به خاطر اوضاع و اموال اجتماعی، با جامعه روحانیت ارتباط نزدیک داشتند. از آن جا که میان صنعت و بازرگانی و کشاورزی جدائی وجود نداشت، عاملان حکومت و زمین‌داران بزرگ جملگی در شهر می‌زیستند و در نتیجه محله‌های شهر و اصناف شهری همراه با اجتماعات روستایی زیر سلطه آنان قرار داشت. این امر از یک سو آزادی و خود مختاری اصناف جلو می‌گرفت و از سوی دیگر مانع ایجاد تضاد میان شالوده‌های تولید شهری و روستایی می‌شد که در مغرب زمین از عوامل مؤثر پیدایش نظام سرمایه داری بود (اشرف، ۱۳۵۹، ۳۸).

محور اولیه و عمده اقتصاد شهری در سده شانزدهم و هفدهم (دوره صفوی) ایران اصناف بوده اند، پیشه‌وران شهری به فلز کاری و بافندگی و ساختن ظروف فلزی و مانند این‌ها و نیز کارهایی نظیر خانه سازی، نانوایی، حمل و نقل و سرگرمی‌های گوناگون اشتغال داشتند از نظر تعداد، منزلت اجتماعی و ثروت تفاوت‌های زیادی میان هر صنف وجود داشت اما در چارچوب کنترل شدید حکومت شهرها توسط صفویه، اصناف از نوع خود سامانی برخوردار بودند (فوران، ۱۳۸۲، ۶۰).

موضوع پر اهمیت ارزیابی مالیاتی میان سران اصناف و مقام‌های دولتی و توافق قرار می‌گرفت. سپس رئیس هر صنف سهم تعیین شده مالیات را با توجه به میزان کسب و کار یکایک اعضا میان پیشه‌وران سرشکن می‌نمود. بعضی از اصناف برای دربار خدمات رایگان انجام می‌دادند. اما نقش و تضاد میان دولت مرکزی، از مکانیسم‌هایی نظیر کنترل قیمت، قدرت مالیات بندی و تعیین خدمات کاری مورد تقاضا استفاده می‌کرد. اصناف نیز با توجه به خود سامانی درونی در زمینه‌هایی فعالیت می‌کردند که رونق اقتصادی رو به گسترش داشت و از هر جهت نفعی و درآمدی در آن متصور بود. و بنا به اعتقادی هر کس باید از صنعت خود زندگی نماید (تاورنیه، ۱۳۶۳، ۵۹۶). در تذکره الملوک از ۳۳ صنف شاهی یاد شده است (مینورسکی، ۱۳۶۸، ۱۲).

دولت صفوی از طریق مداخله در انتخاب رؤسای اصناف و به بهانه ارائه خدمات عمومی و نیز احداث کارخانه‌هایی چون نساجی و زری بافی و... از نظام صنفی برای تأمین سود نیز استفاده فراوان می‌برد (کیوانی، ۱۳۷۹، ۲۷۶/۹).

اصناف در زنده نگه داشتن آیین‌های سوگواری و اعیاد ملی و مذهبی نقش اصلی داشتند. مراسم عید نوروز و عید قربان از جمله آیین‌هایی بود که اصناف مشترکاً و گاهی جداگانه در آن شرکت می‌کردند. به اشکال مختلف خدمات صنف خود را به تماشا می‌گذاشتند؛ از جمله اجرای آب پاشان توسط صنف مسگران کاشان، یا تجمع صنف شمشیرسازان سالی یک بار بر سر قبر اسعد شمشیر شار و نیز بر یاد داشتن مراسم سوگواری عاشورا در تکیه گل بندان اصفهان از جمله فعالیت‌های اجتماعی و سرگرمی‌های اصناف دوره صفویه محسوب می‌شد (همو، ۲۷۷/۹).

سلسله مراتب اداری و صنفی بازار خوی

مهمترین اصناف و حرف بازار خوی با توجه به راسته بازارها عبارتند از:

بزازان، فرش فروشان، زرگران، مسگران، سراجان، پشم فروشان، عسل فروشان و... یک گروه از صنف‌هایی بودند که توانمندی‌های اقتصادی و از حضور تجار صاحب نام و با نفوذ بهره می‌بردند و نسبت به دیگر صنف‌های ضعیف‌تر نقشی پر رنگ ایفا می‌کردند. صنف‌های طلاسازی و طلا فروش، فرش فروش از جمله صنف‌ها می‌باشند که در شرایط کنونی نیز در تداوم حضور پررنگ تاریخی خود از توانمندی‌ها و جایگاه مؤثری در مناسبات اقتصادی-اجتماعی بازار خوی برخوردارند. گروه دیگر، صنف‌هایی که در گذشته در بازار بودند که از جایگاه اجتماعی-اقتصادی و حتی سیاسی و فرهنگی در خوری برخوردار بوده‌اند، اما امروزه بنا به دگرگونی‌های اجتماعی که در جامعه شهری ایران روی داده است، به تدریج نقشی کم پیدا کرده و به آرامی در حال خاموش شده می‌باشند در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت: مهم‌ترین وظیفه نظام صنفی و علت غائی وجود آن در هر دوره‌ای همکاری با عمال دیوانی برای گردآوری مالیات بیگاری و در دوران جدید مبارزه با گران‌فروشی بوده است، به سخن دیگر، نظام صنفی، به جای مقاومت دسته جمعی در برابر اجحاف مالی عمال حکومت، عهده‌دار وظیفه تسهیل کار جمع‌آوری مالیات شد و به جای مبارزه با ارزان‌فروشی، مکلف به مبارزه با گران‌فروشی بود.

یکی از تشکیلات بازار تشکل بازاریان و اصناف بوده است که تابع یک سلسله مراتب خاص داخلی (کدخدا، استاد، شاگرد، پادو و نیز برخی مناصب مرتبط با تشکیلات داخلی اصناف که ارتباط مستقیم با اصناف و قوانین آن داشتند همچون کلانتر، نقیب، محتسب، داروغه و...) بوده است.

کدخدا: ریاست سازمان داخلی صنف را برعهده داشت که بر اساس تجربه و سابقه و کار آمد بودن انتخاب می‌شد (میرزافیعا، ۸/۱۳۴۷، ۱۲۱؛ کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۶۴). اصناف در انتخاب کدخدا نهایت

دقت را به کار می‌بردند (روحانی، ۱۳۸۵، ۶۶). انتخاب کدخدا را کلانتر زیر نظر داشته است (میرزا سمیعا، ۱۳۶۸، ۴۷). جلسات مرتبط و اتخاذ تصمیمات و انجام آن‌ها از سوی اصناف زیر نظر کدخدا صورت می‌گرفت. اگر اعتراضی بود و کدخدا را فاقد شرایط این پست می‌دیدند توسط کلانتر رسیدگی می‌شده است و جانشین او تعیین می‌شد (فلور، ۱۹۸۷).

استاد: افراد برای ورود به هر صنفی باید پیشینه خانوادگی خود را در نظر می‌گرفتند و در آن صنف استادی برای خود می‌گرفتند. (نک: همو)

شاگرد: شاگردی از سن دوازده تا پانزده سالگی شروع می‌شد و مدت آن بستگی به استعداد شخص و نوع حرفه داشته است. جدایی شاگرد نیز منوط به تهیه ی دکان و لوازم حرفه ی مد نظر داشته است (شاردن، ۱۳۷۴، ۴، ۱۴۲۲).

پادو: پایین‌ترین رتبه از سلسله مراتب اصناف است که از کودکانی بودند که در میان انواع شغل‌ها به عنوان پیغام رسان و دادن خدمات از جمله پذیرایی از مشتری و صاحب کار و نظافت دکان بود (کیوانی، ۱۹۸۲).

در کنار مناصب داخلی برای اصناف بازار مناصبی از جمله کلانتر و نقیب و محتسب و داروغه نیز برای رسیدگی به امور مالیاتی و گرفتن اجاره‌بها و ایجاد و کنترل امنیت بازار رابطه و ارتباط تنگاتنگی به امور و جریانات بازار بودند.

بازار خوی در اقتصاد داخلی و تجاریت خارجی

بازار مرکز ثقل اقتصادی و نظام بهره‌وری از سرمایه می‌باشد. نهاد بازار با خرید و فروش و همچنین تولید و پیشه‌وری به صورت مرکز رهبری امور اقتصادی شهرها درآمد. اقتصاد هر بازار مهمترین بخش حیات آن را تشکیل می‌دهد. بازار به عنوان نهادی اقتصادی مناسب‌ترین مکان برای تجارت داخلی و تجارت خارجی می‌باشد، که این به عنوان یکی از رکن‌های مؤثر بر تحولات اقتصادی جوامع از گذشته تا به حال بوده است، به عبارتی روح و کالبد حیات اقتصادی شهر در بازار متجلی شده است.

بازار با اتکا به نیروی قدرمند شکل‌های صنفی نقش مهم‌ترین اهرم اقتصادی کشور را ایفا می‌کند و حتی در حال حاضر نیز اقتصاد کشور در درون بازارها تشکیل می‌گیرد و با این که بازار امروز به ظاهر از قدرت زیادی بهره مند نیست، اما تعمق بیشتر نشان می‌دهد که هنوز بازار نیاز اقتصادی را تعیین می‌کند و هنوز هم بازار قلب تپنده اقتصاد شهرهاست (رجبی، ۱۳۸۶، ۷۱).

مؤلف کتاب تاریخ امپراطوری عثمانی می‌نویسد: «تجار ایرانی اجازه دارند، که از خاک عثمانی با ممالک اتریش مرآده تجاری داشته و از قرار پنج درصد گمرک بدهند» (پورگشتال، ۱۳۶۷، ۳۰۵۲).

رونق تجاری و بازرگانی خوی از آن به بعد روبه شکوفایی گذاشت تا سال ۱۲۸۶ ه. ق که آبراه سوئز گشوده شد، روزانه، در حدود سه هزار نفر شتر، حامل مالا از طرابوزان به مقصد ایران حرکت می‌کرد، اگر همین تعداد نیز از ایران راهی بشوند، روزانه شش هزار نفر شتر وارد خوی می‌شد، در آن سالها خوی با داشتن راه‌های مهم تجارتی از طریق وان و ارزروم و طرابوزان به سمت غرب از طریق شبستر و تسوج به تبریز که به «توپ یولی» مشهور بود و از طریق جلفا و نخجوان به شهرهای ماوراء قفقاز بزرگترین شهر تجارتی و مرکز منحصر به فرد صادرات و واردات ایران و کشورهای شرق ایران به شمار می‌رفت و به شواهد کتب تاریخ، کالاهای متعدد، از جمله قالی و شیشه و پارچه نیز در خود خوی تولید و به اطراف فرستاده می‌شد.

در واقع همه سیاحان، جهانگردان، بازرگانان و هیئت‌های سیاسی و سفرای کشورهای که در آن سالهای طلایی از طریق جاده ابریشم از خوی گذشته اند از جمله: اولیاء چلبی، بازرگان گمنام ونیزی، فرستاده ژوبر، گاردان تاتکوانی، کلاویخو، بن تان، جیمز موریه، گارپوتو، چارلز استنورت، رابین سون، ویلسون کنت دوسرسی، اوژن فلاندرن، کنت گوینو، ادوار براون، اوژن اوبن، اورسل، جکسن و... که همگی در سفرنامه‌ها و خاطرات خود به وصف شهر دارالمؤمنین، دارالصفاء و عروس شهرهای ایران خوی پرداخته اند و از رونق تجارت و بازرگانی در شهر و بازار و کاروانسراهای آن سخن گفته اند و کمتر جغرافیدان اسلامی است که در نوشته‌های خود، از شهر خوی نام نبرده باشد، با توجه به مطالب فوق شهر خوی شهرت و آوازه اش را گذشته از علما و دانشمندان فراوانش، مدیون راههای ارتباطی اش با نقاط دیگر است که، در مرحله اول جاده ابریشم معروف و باستانی ابریشم و سپس راه‌های انشعاب شده از آن می‌باشد (نصیری، ۱۳۸۱، ۴۳).

نتیجه‌گیری

بازار هر شهر مرکز ثقل اقتصادی و نظام بهره‌وری از سرمایه است. این نهاد با خرید و فروش و تولید و پیشه‌وری گسترده به صورت مرکز رهبری امور اقتصادی و مالی شهر درآمد و با این اعتبار به عنوان جایگاه محوری سیاست و مذهب نیز محسوب می‌شده است. همچنین بازار به سبب ارتباط مستمر با طبقات مختلف مردم، در تحولات اجتماعی - به ویژه ایجاد نوعی تشکیلات منظم و تأثیر در گسترش برخی نهضت‌ها نقش بزرگی داشته و از نظر فرهنگی نیز حائز اهمیت خاصی بوده است. بازار خوی در نقطه‌ی مرکزی شهر واقع شده که علاوه بر فعالیت‌های اقتصادی محلی برای تلاقی افکار و اندیشه‌های سیاسی، دینی و غیره به حساب می‌آید. بازار خوی از مجموعه منسجمی از راسته‌ها و سراها و گذرهای اصلی و فرعی تشکیل شده است.

در بازار خوی از هرگونه هنر و پیشه ای، از خیاطی، کفاشی، خرده فرشی، عطاری و بقالی گرفته تا هر نوع مؤسسه تجارتي و صرافى يافت مى‌شد. در يك تقسيم بندى كلى كسانى كه در بازار اين شهر فعاليت داشتند عبارت بودند از: بازرگانان، پيشه‌وران واصناف.

اصناف علاوه بر واحدهاى مالى حكومت شهرهاى ايران نقش برجسته‌اى در حيات توليدى پيشه‌وران بازي مى‌کردند. علاوه بر آن وظائف و كاركردهاى اجتماعى اصناف نيز وسيع تر بود. رؤساي اصناف به نمايندگى از طرف حكومت شهرى وظائف ادارى و مالى داشتند و مياشر مالى حاكم شهر بودند؛ رؤساي اصناف را حاكم شهر، با توافق اعضاء رسما منصوب مى‌كرد. بدين ترتيب رؤسا يا كدخدايان اصناف در برابر حاكم شهر مسئول وصول ماليات و اداره امور صنف خود بودند. اصناف هم از نظر شكل شهر و قرار داشتن بازارها در جوار مسجد جامع و مساجد ديگر و هم بخاطر اوضاع و احوال اجتماعى، با جامعه روحانيت ارتباط نزديك داشتند. مهمترين اصناف و حرف بازار خوي با توجه به راسته بازارها عبارتند از: بزازان، فرش فروشان، زرگران، مسگران، سراجان، پشم فروشان، عسل فروشان و...

منابع و مآخذ

- آرشیو سازمان میراث فرهنگی.
- ابن حوقل. (۱۳۶۶). *صورة الارض* (ترجمه: دکتر جعفر شعار، چاپ دوم). تهران: امیرکبیر.
- اشرف، ا. (۱۳۵۴). *ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی*. تهران: مجموعه تاریخی معاصر.
- اشرف، ا. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران (دوره قاجاریه)* (چاپ اول). تهران: پیام.
- پروشانی، ا. (۱۳۸۱). مقاله بازار. در: غلامعلی حداد عادل (ویراستار)، *دانش‌نامه جهان اسلام* (چاپ اول). تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- پوراحمد، ا. (۱۳۷۶). *جغرافیا کارکردی بازار کرمان*. مرکز کرمان‌شناسی.
- پورگشتال، ه. (۱۳۶۷). *تاریخ امپراطوری عثمانی* (ترجمه: میرزا زکی علی‌آبادی، به اهتمام جمشید یکان‌فر). تهران: زرین.
- تاواریه، ژ. ب. (۱۳۶۳). *سفرنامه تاواریه* (ترجمه: ابوتراب نوری). تهران: کتابخانه سنایی.
- خیرآبادی، س. (۱۳۸۸). اهداف اقتصادی و اجتماعی اسلام. *میراث جاودان*، ۱۷(۶۸)، زمستان.
- دهخدا، ع. ا. (۱۳۶۵). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- دولتشاهی، ه. (۱۳۸۱). *آذربایجان غربی* (چاپ اول). تهران: هنرسرای گویا.

- رجیبی، آ. (۱۳۶۸). ریخت‌شناسی بازار. تهران: آگاه.
- روحانی، ک. (۱۳۸۵). تشکیلات و فعالیت اصناف در عصر صفویه. در فضل‌الله صلواتی (ویراستار)، مجموعه مقالات کنگره جهانی بزرگداشت اصفهان. تهران: اطلاعات.
- زاهد زاهدانی، س. (۱۳۸۱). هیأت‌های مذهبی و تشکل‌های صنفی به‌مثابه سازمان‌های غیردولتی (مطالعه موردی دوره قاجار). مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- سجادی. (۱۳۷۹). مقاله بازار. در: کاظم موسوی بجنوردی (ویراستار)، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (چاپ اول). تهران: مرکز دایرة‌المعارف اسلامی.
- سلطان‌زاده، ج. (۱۳۸۰). بازارهای ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شاردن. (۱۳۷۴). سیاحت‌نامه شاردن (ترجمه: محمد عباسی). تهران: امیرکبیر.
- صدرائی خویی، ع. (۱۳۷۳). سیمای خوی. تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- عیسوی، چ. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران (ترجمه: یعقوب آژند). تهران: گستره.
- فوران، ج. (۱۳۸۲). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران (ترجمه: احمد تدین). تهران: رسا.
- کسروی، ا. (۲۵۳۵ شاهنشاهی). تاریخ مشروطه در ایران (چاپ دوازدهم). تهران: امیرکبیر.
- کمپفر، ا. (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر به ایران (ترجمه: کیکاووس جهاننداری، چاپ سوم). تهران: خوارزمی.
- کیوانی، م. (۱۳۷۹). مقاله اصناف. در: کاظم موسوی بجنوردی (ویراستار)، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی (چاپ اول). تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
- لاپیدوس، ا. (۱۳۸۷). تاریخ جوامع اسلامی (ترجمه: علی بختیاری‌زاده). تهران: اطلاعات.
- مشهدیزاده دهقانی، ن. (۱۳۷۳). تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران. دانشگاه علم و صنعت.
- معتضد، خ. (۱۳۶۶). حاج امین‌الضرب: تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران. تهران: جانزاده.
- میرزا رفیعا. (۱۳۴۸-۱۳۴۷). دستورالملوک. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. مجله دانشکده ادبیات تهران، ۱۶ (۵) و ۶.
- میرزا سمیعا. (۱۳۶۸). تذکره‌الملوک. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی، و. (۱۳۶۸). سازمان اداری حکومت صفوی (ترجمه: مسعود رجب‌نیا). تهران: امیرکبیر.
- نصر، ط. (سُها). (۱۳۸۴). جستاری در شهرسازی و معماری زندیه. شیراز: نوید.
- نصیری، ب. (۱۳۸۱). خوی در گذر زمان. خوی: قراقوش.
- ویرت، گ. (۱۳۸۶). صحنه‌های فکاهی از زندگی تجاری. تهران: لحظه.

- Floor, W. (n.d.). Bazar organization and function. In Encyclopedia of Iranica.
- Floor, W. M. (1987). Asnaf. In Encyclopedia of Iranica (Vol. IV). London & New York: Luzac and Co.
- Keyvani, M. (1982). Artisans and guild life in the later Safavid period. Berlin.